



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۱۲ اسفند ۱۳۹۹

مصادف با: ۱۸ رجب ۱۴۴۲

موضوع جزئی: مسئله ۲۳- تمه: بررسی مشروعیت الزام به حجاب در حکومت اسلامی -

- مقدمه: حجاب، حکمی فردی یا اجتماعی - ادله فردی بودن حجاب - دلیل چهارم تا هفتم و بررسی آنها

جلسه: ۹۳

سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در ادله فردی بودن موضوع حجاب یا حکم حجاب بود. تا اینجا سه دلیل ذکر کردیم؛ دلیل سوم این بود که بنا بر برخی از روایات مسأله حجاب و پوشش زن در واقع احترام و حرمت نهادن به زن است و این حداقل به عنوان حکمت حجاب ذکر شده است. اگر این چنین است، پس در اختیار خود زن است و می تواند این احترام را برای خودش غنیمت بشمارد و می تواند آن را نادیده بگیرد. بنابراین یک امر فردی است؛ اینکه کسی خودش حریم خودش را رعایت کند و در نتیجه دیگران هم بر همین میزان حرکت کنند، اینها دلیل بر فردی بودن مسأله حجاب است؛ این مربوط به خود فرد می شود. عرض کردیم این دلیل هم ناتمام است؛ دو اشکال نسبت به این دلیل ذکر کردیم.

اشکال سوم

اشکال سوم نسبت به این دلیل آن است که اختیار و آزادی زن در مورد احترام خویشتن تا جایی است که از ناحیه شرع محدودیتی برای آن تعیین نشده باشد. اگر ما دلیلی بیابیم که شارع حد اختیار و آزادی زن در محدوده احترام و حرمت خودش را معین کرده، دیگر این حریم و احترام به نحو مطلق در اختیار زن نیست. پس به عبارت دیگر احترام و حرمت زن و اینکه این احترام به دست خود اوست، اطلاق ندارد. اینطور نیست که مطلقاً این حریم و احترام دست خودش باشد.

سؤال:

استاد: مسأله حق نیست؛ این چیزی که به عنوان احترام زن به عنوان حکمت حجاب ذکر شده، بدون حد و حصر نیست که در همه حال و در همه شرایط به اختیار خود او باشد که بگوییم خودش دلش نمی خواهد حریمش حفظ شود، این دیگر دست خودش است. عرض می کنیم این اطلاق ندارد و این حریم مقید به دلیل شرعی می شود اگر دلیلی داشته باشیم.

سؤال:

استاد: اینکه این آزادی در حیطه حریم و حرمت و احترام خودش مبنای استنتاج فردی بودن حجاب قرار گرفت، عرض ما این است که این مطلق نیست؛ بر فرض این اثبات کند فردیت را، تا یک جایی اثبات می کند. اگر یک جایی شارع این را محدود کرد دیگر فردیت اثبات نمی شود؛ ما نمی خواهیم بگوییم پس اجتماعی است. اگر آزادی در حیطه احترام، دلیل فردیت باشد، ولی این آزادی محدود است؛ پس کأن این فردیت محدود است. ... حرف ما این است که شما که می گوئید این حریم و احترام خودش است، پس فردی است، اگر شارع می گوید بله، این حریم دست خودت است و باید رعایت کنی؛ اما این حریم که افسارش در دست توست و شما می خواهی بگویی فردیت دارد، این در خانه، محیط بسته، پیش دوست و همکار، هر کاری

می‌خواهی بکن اما وقتی بیرون می‌آیی اختیارش دست خودت نیست شما که بیرون می‌آیی باید احترام خودت را حفظ کنی. ... ما می‌گوییم بر فرض دلیلی بیاید که در بیرون این احترام دیگر دست خودت نیست، معلوم می‌شود فردی نیست. امکان اینکه آن احترام و آن حیطة احترام محدود شود وجود دارد.

اینها ادله و شواهد و قرائن و مؤیداتی است که در این مقام ذکر می‌شود. ما وقتی می‌گوییم دلیل لزوماً ادله محکم و قوی نیست؛ بعضی از این ادله ممکن است ضعیف باشد. بالاخره ما همه مدعاها را باید اینجا بررسی کنیم. اینکه مثلاً برخی روایات ضعیف است و ذکر می‌شود، فوقش این است که این روایت ضعیف باشد ولی مؤید می‌تواند باشد. ما مجموعه شواهد، قرائن و مؤیدات و ادله را ذکر می‌کنیم.

دلیل چهارم

اساساً حجاب و پوشش برای زن صرفاً به منظور حفظ زن و مصالح زن جعل شده است. اگر به زن می‌گویند پوشش داشته باش، یک مصلحتی است که به خود زن برمی‌گردد. آن مصلحت‌ها ممکن است متعدد باشد؛ حفظ از فساد، حفظ از نگاه‌های دیگران، اینکه مورد تعرض قرار نگیرد و خیلی از امور. لذا چون مصلحت‌ها به خود فرد مربوط می‌شود، پس حجاب یک امر فردی است و حکم آن فردی است. این را در گذشته به یک صورت دیگری تبیین کردیم؛ در بحث از اجتماعی بودن حجاب دلیل چهارمی که ذکر کردیم همین مصالح بود. حالا این مستدل اتفاقاً بر برخی از نکات که ما آنها را شاهد بر اجتماعی بودن می‌دانیم تکیه کرده و آنها را دلیل بر فردی بودن حجاب می‌داند. کأن یک اشکالی به آن ادله می‌تواند باشد و ما باید اینها را پاسخ دهیم و در عین حال خودش هم دلیلی به عنوان تأیید فردی بودن حجاب ذکر شده است. می‌گویند حجاب به خاطر یک مصالحی جعل شده؛ این مصلحت‌ها مربوط به خود زن است و لذا یک امر فردی است.

بررسی دلیل چهارم

این دلیل هم قابل قبول نیست؛ چون ما انکار نمی‌کنیم مصلحت‌هایی که در لسان آیات، روایات و یا حکمت‌هایی که ذکر شده، اینها به نوعی مربوط به خود زن است اما این منافاتی با این ندارد که مصلحت به اجتماع و جامعه هم مربوط باشد. ما الان نمی‌خواهیم بگوییم حتماً هست؛ می‌گوییم صرف امکان بازگشت این مصلحت‌ها به جامعه این دلیل را باطل می‌کند. اینها می‌خواهند با این دلیل اثبات کنند فردی بودن حجاب را، ولی ما می‌گوییم این دلیل نمی‌تواند اثبات کند فردی بودن مسأله حجاب را. لذا این دلیل هم باطل است.

دلیل پنجم

یکی از شرایطی که برای زن نمازگزار ذکر شده این است که در وقت نماز باید حجاب داشته باشد، ولو هیچ کسی او را نبیند. اینجا دیگر چه مصلحت اجتماعی می‌شود فرض کرد؟ اینکه در هنگام نماز ولو پنهان از همه انظار باید حجاب داشته باشد، ستر صلاتی را رعایت کند و یک پوشش لازم برای خودش فراهم کند، این نشان می‌دهد که حجاب اساساً یک حکم فردی است و حکم اجتماعی نیست؛ این بالاخره حکایت از فردی بودن حکم حجاب می‌کند.

بررسی دلیل پنجم

این دلیل هم باطل است؛ اگر در نماز دستور به حجاب داده شده و در مقابل خداوند خواسته شده که پوشش خاصی داشته باشد، این اثبات نمی‌کند که اصل حجاب یک امر فردی است. بله، نهایتاً از این استفاده می‌شود که در یک مواقعی و در یک

شرایطی این یک امر فردی محض است؛ ستر صلاتی یک امر فردی است. بحث ما در ستر و حجاب نماز نیست؛ بحث در پوشش صلاتی نیست؛ بحث ما در پوشش غیر صلاوة است. بالاخره در ستر صلاتی یک قیودی و یک حدودی ذکر شده و ادله خاص خودش را دارد که ما به واسطه آن ادله می‌گوییم در هنگام نماز باید پوشش رعایت شود. این فوقش این است که اثبات می‌کند حجاب در وقت نماز باید رعایت شود و این حجاب و پوشش صلاتی یک امر فردی است. گرچه همواره هم این چنین نیست؛ بالاخره اگر همین زن بیرون از محیط خانه و در جایی که خلوتی نیست نماز بخواند، بالاخره این تکلیف را دارد و می‌تواند آن حیث اجتماعی هم بر آن مترتب شود. اصلاً شاید یکی از جهاتی که به خاطر آن حجاب را در نماز واجب کرده‌اند، این است که مثلاً موقع نماز ممکن است نامحرمی بیاید و او را ببیند؛ البته اینها استحسان است.

سؤال:

استاد: فرض این است که در هنگام نماز نمی‌تواند برای خودش پوشش درست کند. اینکه او را ببیند یا مواجه شود و ناچار شود برای فرار از مواجهه نمازش به هم بخورد. اینها در حد یک استحسان است و هیچ پشتوانه‌ای ندارد. شاید این باشد که بالاخره اگر کسی می‌خواهد نماز بخواند اگر بدون پوشش باشد، حالا فرض کنید که در یک شرایطی قرار بگیرد که نامحرمی بخواند وارد شود و او را ببیند، این اگر بخواند به دنبال تأمین پوشش و حجاب لازم برود، نماز و عبادتش به هم می‌خورد.

دلیل ششم

برخی گفته‌اند در هیچ یک از آیات قرآن که درباره حجاب سخن گفته شده، اشاره‌ای به وجهه اجتماعی حجاب و پوشش نشده است. یعنی حتی اگر وجوب را از آن آیات استفاده کنیم، اما اجتماعی بودن حجاب از این ادله و آیات بدست نمی‌آید. پس دلیل ششم در واقع برمی‌گردد به عدم دلالت آیات و عدم تصریح آیات به اجتماعی بودن حجاب. بعضی از اینها می‌گویند آیات قرآن دلالت بر وجوب حجاب ندارد؛ بر فرض هم که داشته باشد از آن استفاده نمی‌شود که یک وظیفه اجتماعی است؛ بلکه یک تکلیف فردی است و این را به عنوان شاهد در اینجا ذکر کرده‌اند.

بررسی دلیل ششم

این دلیل هم قابل قبول نیست؛ چون:

اولاً: اجتماعی بودن لازم نیست از آیه و روایات استفاده شود. به چه دلیل بگوییم اجتماعی بودن یک حکم باید حتماً از آیه استفاده شود؟ اجتماعی بودن یا فردی بودن به خود موضوع برمی‌گردد؛ تناسب حکم و موضوع و خود موضوع به نحوی است که عرف این را می‌فهمد که این فردی است، اجتماعی است، آثار اجتماعی دارد یا نه. اینکه آیات تصریح به این نکرده‌اند یا دلالت بر این ندارند، این نمی‌تواند اثبات فردیت کند.

ثانیاً: در بحث گذشته قرائن و شواهد بسیاری بر اجتماعی بودن ذکر کردیم از خود آیات قرآن و روایات. در آیات، آیه «ذَلِكْ أَدْنَىٰ أَنْ يَعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ» این خودش به آن حیث اجتماعی توجه دارد و توجه می‌دهد؛ یا «ذَلِكْ أَطْهَرُ لِقُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ»، اینها چیزهایی بود که در آیات قرآن بر آن حیث اجتماعی دلالت می‌کند.

دلیل هفتم

در شأن نزول آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلزَّوْجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ وَذَلِكْ أَدْنَىٰ أَنْ يَعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ»، گفته شده که برای اینکه زنان آزاد از زنان کنیز تمیز داده شوند و مردان و فاسقان متعرض زنان آزاد نشوند، آنها

خودشان را بپوشانند اما کنیزها لازم نیست بپوشانند؛ چه اینکه در آن شرایط و در آن زمان کنیزها هم خودشان را نمی‌پوشاندند. پس نفس اینکه به کنیزها اجازه داده می‌شود حجاب نداشته باشند و به زنان آزاد امر به حجاب می‌کند، این کاملاً دلیل بر فردی بودن حجاب است و نه اجتماعی بودن حجاب. چون اگر حجاب یک امر اجتماعی بود، مخصوصاً با توجه به آن حکمت‌هایی که برایش ذکر شده، چرا بین زنان حر و کنیز فرق گذاشته‌اند؟ در مورد کنیزها چرا اجازه داده‌اند حجاب نداشته باشند یا اصلاً گفته‌اند نداشته باشید؟ پس این دلیل بر آن است که حجاب یک امر فردی است.

بررسی دلیل هفتم

به نظر می‌رسد این هم قابل قبول نیست. یک وقت ما می‌خواهیم به این آیه و شأن نزولی که در ذیل این آیه، آن هم توسط برخی از مفسرین ذکر شده، استناد کنیم و اثبات کنیم اجتماعی بودن حجاب را، که البته عرض کردیم این آیه و شأن نزولی که در تفاسیر برای آن نوشته شده، دلیل بر اجتماعی بودن حجاب هست. البته برخی اشکالاتی کرده‌اند.

سؤال:

استاد: استثناء قواعد من النساء و استثناء کنیز را گفتیم و بیان کردیم که اینها خودش دلیل بر اجتماعی بودن است. اینجا کسانی که معتقدند حجاب یک امر فردی است، اتفاقاً به همین استناد کرده‌اند بر فردی بودن می‌گویند اگر این یک امر اجتماعی بود چرا اینها استثنا شده‌اند و گفته‌اند لازم نیست حجاب داشته باشند ولی آنها لازم است حجاب داشته باشند؟ پس معلوم می‌شود این یک امر اجتماعی نیست، بلکه امر فردی است.

این دلیل هم فیه ما فیه. یک وقت می‌خواهیم بگوییم این دلیل بر اجتماعی بودن حجاب است که این را قبلاً گفتیم و از آن عبور کردیم؛ اما بر فرض این آیه و شأن نزول آن دال بر اجتماعی بودن حجاب نباشد، می‌تواند فردی بودن حجاب را اثبات کند یا نه؟ به چه دلیل این دال بر فردی بودن حجاب است؟ اینکه یک گروهی استثنا شده باشند، به چه دلیل و چگونه می‌تواند دال بر فردی بودن حجاب باشد؟

سؤال:

استاد: عرض ما این است که این بر این فرض استوار است که آنچه در آیات و روایات برای فلسفه حجاب و پوشش گفته شده علت باشد. در حالی که اینها حکمت است و تمام حکمت هم نیست. مسأله فسادی که ممکن است بر بی‌حجابی مترتب شود، طمع‌ورزی کسانی که خدای نکرده می‌خواهند به مطامع سوء خود برسند؛ اینکه مثلاً زن مصونیت پیدا کند؛ اینها مجموعاً اموری است که برای حجاب گفته‌اند اما آیا حجاب حکمت و علت و مصلحتش فقط در همین‌ها منحصر است؟ ... ما آنجا گفتیم که حتی اگر اینها حکمت باشند، معنایش آن نیست که حکم دایر مدار این است؛ ولی حکمت‌هایی که در خود آیات و روایات ذکر شده، این حکمت‌ها قدر مسلم و فی الجمله یک قدر متیقن و حداقلی از اجتماعی بودن حجاب را اثبات می‌کند. ... اینکه زن را حفظ کند از تعرض؛ زن را مصون نگه دارد از نگاه فاسقان؛ اینکه جلوی مفساد گرفته شود، اینها همه آثار اجتماعی است. ... آنجایی که گفتیم به روایات استدلال می‌کنیم بعضی از این حکمت‌ها در باب نظر ذکر شده؛ سهم من سهام ابلیس، روایت شیخ صدوق در علل که حرم النظر لما فیه تهییج الرجال و تهییج الی الفساد، و چند چیز دیگر؛ اینها همه برای نظر بود. گفتیم درست است که اینها همه برای نظر است و حتی ممکن است کسی بگوید اینها حمل می‌شود بر نظر مع اللذة که حرام است؛ ولی

می‌خواهیم این را بگوییم که معلوم می‌شود بالاخره فارغ از اینکه این نظر، نظر مع اللذة باشد یا نه، این موضوع یک موضوعی است که این آثار اجتماعی را دارد. اصلاً کاری نداریم نظر با لذت را می‌گوید یا نظر بدون لذت، این در اینجا فرق نمی‌کند؛ یک موضوعی که این قابلیت را دارد که یک چنین اموری بر آن مترتب شود، این می‌شود یک عمل دارای اثر اجتماعی. ... مسلماً بین نظر و پوشش ارتباط و پیوند هست مگر می‌شود از یک طرف به مرد بگوید نگاه نکنی از طرف دیگر به زن بگوید پوشش لازم نیست. آنجا گفتیم نظر معمولی و بدون لذت هم در صورتی جایز است که به این نظر نیازمند باشد. ... اصلاً می‌شود شارع بگوید مردان نگاه نکنید اما زن هر طور دلش می‌خواهد بیرون بیاورد؟ این اصلاً عقلایی است؟ ... در مورد مردان هم گفتیم اینطور نیست. ما در مورد مردان گفتیم پوشش واجب نیست و نظر هم اشکال ندارد. ... عرض ما این است که بالاخره آن حکمت‌ها ولو حکمت است و علت نیست؛ ولو حکم دایر مدار آنها نیست؛ بالاخره پیوند و ارتباط این مقوله را با اجتماع نشان داده و اثر اجتماعی این عمل را بیان می‌کند. آن وقت اینجا در مورد کنیز که گفته می‌شود، کنیز استثنا شده و بر کنیز واجب نیست؛ عیب ندارد؛ در یک مواردی ممکن است حجاب به خاطر یک مصالح اهم، به خاطر شرایط خاصی که اینها داشتند، از اینها برداشته شده باشد. ... خود همان هم محل بحث است؛ مرحوم آقای مطهری آنجا اشکال کرده که مگر می‌شود از یک طرف بگوییم اینجا به زنان گفته شما سر خودتان را بیوشانید و روسری سر کنید تا شناخته شوید و شما را اذیت نکنند؛ پس معنایش این است که آنها اذیت شوند عیب ندارد؟ ... می‌خواهم عرض کنم بالاخره بنابر دلایلی یا اصلاً آن موقع متعارف بوده یا مثلاً این ممکن بود اختلاطی که پیدا می‌کردند، تشابهی که پیدا می‌کردند، این یک آثار دیگری به دنبالش بود. این به هر حال به هر دلیل این گروه استثنا شده‌اند. استثناء این گروه در مقایسه با زنان حر که همه تکلیف به این امر دارند، این دلیل بر فردیت نیست؛ ... اگر در یک موردی یک حکمی که دارای اثر اجتماعی است استثنایی صورت بگیرد، اجتماعی بودن نقض می‌شود؟ مثلاً فرض بفرمایید زکات یک عملی است که دارای اثر اجتماعی است؛ جهاد یک عملی است که دارای اثر اجتماعی است. اگر به دلایلی گروه‌هایی از دادن زکات در حالی که همه شرایط موجود است استثنا شوند؛ یا مثلاً از جهاد استثنا شوند و بگویند این گروه‌ها لازم نیست به جهاد بروند؛ آیا این معنایش آن است که این عمل اثر اجتماعی ندارد؟ ... می‌گوییم این اثر را دارد؛ چرا گفته‌اند این کار را کنید؟ برخی از اینها به عنوان حکمت‌های این امر است که ما اینها را می‌پذیریم؛ اما این همه‌اش نیست. ... لذا تأکید می‌کنیم حکمت است؛ لذا تأکید می‌کنیم علت نیست؛ ممکن است علت‌ها یا حکمت‌های دیگری داشته باشد که به واسطه آن استثنا صورت گرفته باشد. بنابراین اگر استثنایی در مورد کنیزها صورت گرفته، این به هیچ وجه دلالت بر فردی بودن حجاب نمی‌کند.

این هفت دلیلی است که در این مقام می‌شد ذکر شود.

«والحمد لله رب العالمین»